

بعد از صحبت من، تانیا دیگه نگران نیست. ما باهم کوله‌ی مدرسه مون رو داریم می بندیم. من به اون گفتم بطری آب وسیله‌ی شخصیه و نباید بطری رو به کسی بدی و نباید هم از بطری کسی آب بخوری.



اسم و فامیل خواهرم رو روی دفتراش با خط خوب و خوانا نوشتم و بهش گفتم باید مراقب دفتر و کتابات باشی تا گم نشن.



من به تانیا گفتم سال تحصیلی جدید شروع شده، پس بهتره هر شب سر ساعت ۹ بعد از مسواک زدن زود به رختخواب بریم تا فردا وقتی ساعتون زنگ زد، خسته و خواب‌آلود نباشیم. بچه‌ای که شب‌ادیر بخوابه، فردا خسته است و سرکلاس درس هاش رو خوب و درست نمی‌تونه یاد بگیره. خودم هم زود رفتم بخوابم.



ما تمیز و مرتب و منظم لباسا مون رو پوشیدیم و سر وقت داریم می‌ریم مدرسه. خدا نگهدار مامان، خدا حافظ بابا.

